



داست

که باقی ماند



جمعیت‌شان زیاد نیست اما خیلی قوی هستند و با دولت ارتباط زیادی دارند. آنها فشار زیادی بر مسلمان‌ها وارد می‌کنند. وقتی به آنجا رفتیم در کمیته مرکزی یهود انفجار صورت گرفت. این کار را به ایرانی‌ها نسبت دادند. از آن پس مشکلات سیاسی و اجتماعی ما زیادتر شد. دیگر به مسلمان‌ها کار نمی‌دادند. وضع ایرانی‌های مسلمان بدتر بود. شایع کردند که انفجار به دست افراد مسجد التوحید و آقای ربانی انجام شده است. از رادیو و تلویزیون برای پرس وجو در مورد این انفجار آمدند. روابط ایران و آژانتین هم قطع شد. حاج آقای ربانی را هم اخراج کردند و دیگر اجازه ندادند که از ایران روحانی بیاید. ما مقاومت کردیم و آنجا ماندیم. با این‌که وقتی از ایران می‌رفتیم قصد یکی دو سال ماندن در آژانتین را داشتیم، ولی ۱۲ سال اقامت ما طول کشید. وضعیت آنجا خیلی سخت بود. پلیس بین‌الملل برای پیدا کردن افرادی که از نظر آنها متهم بودند، تلاش می‌کرد. با وجود این ما مقاومت کردیم و بنا به فرمایش امام راحل که فرمود این سختی‌ها به نفع اسلام است، این مسأله هم به نفع ما تمام شد، چون مسجد التوحید خیلی مشهور شد. پس از این جریان مردم زیادی به سوی ما آمدند.

در مسجد چه فعالیت‌هایی انجام می‌دادید؟

ابتدا احکام و ادبیات عرب را تدریس می‌کردم. مدتی بعد موفق شدیم سازمانی برای زنان مسلمان آژانتین به نام آئه OMA تشکیل دهیم که هنوز هم مشغول فعالیت است. زمانی که به مناسبت روز زن، در کنفرانسی که در کشور پرو برگزار شد شرکت کردم، در ملاقات با نمایندگان ادیان دیگر، کمیته امداد تشکیل دادیم. اینها همه لطف خدا بود چون خودم قصد انجام چنین کاری را نداشتم اما یک بار که به اتفاق همسرم برای تبلیغ به شهر بالکالسه در ۳۰۰ کیلومتری بوئنوس آیرس رفته بودیم، فقر شدید مردم مسلمان و غیرمسلمان

بسیار ناراحت‌مان کرد. به فکر افتادیم که شاید مسلمان‌های پایتخت بتوانند به اینها کمک کنند. از طریق شبکه رادیویی اسلامی اعلام کردیم که افراد علاقه‌مند می‌توانند کمک‌هایشان را به مسجد بیاورند تا به نیازمندان برسانیم ولی باور نمی‌کردیم که آن همه کمک و اعانه جمع شود. شکر خدا هنوز هم این کار ادامه دارد. مسلمان‌ها به این کمیته کمک‌های مالی می‌کنند اما اگر از مسیحی‌ها نیز افراد نیازمندی باشند تحت پوشش امداد قرار می‌گیرند. اوایل تنها ۱۱ کیسه غذا برای ۱۱ خانواده جمع‌آوری می‌شد اما اکنون حدود ۵۰ کیسه آذوقه با کمک مردم مسلمان تهیه می‌شود. دولت هم به ما کمک می‌کند. یک‌بار از من در جلسه‌ای دعوت شد. در آنجا با خانمی که از شورای آژانتین آمده بود، آشنا شدم. پس از این ملاقات از طرف شورا در هر ماه حدود ۴۰ صندوق غذا ارسال می‌شود.

شما الان در آژانتین هم حجاب دارید. رفتار مردم با خانم‌های با حجاب در آژانتین چگونه است؟

در آژانتین متأسفانه در مراکز دولتی و غیردولتی نسبت به استخدام و حضور زنان محجبه سختگیری می‌شود. در آنجا همه باید کارت شناسایی و کارت هویت داشته باشند. وقتی برای گرفتن کارت شناسایی اقدام کردم و عکس با حجابم را با مدارک دیگر تحویل دادم، قبول نکردند. گفتند قانونی در آژانتین است که باید عکس بدون کلاه، عینک و موی مصنوعی باشد. به آنها گفتم: برای زنان راهی چه؟ قانونی دارید، آنها که پوشش دارند؟ گفتند: آنها روحانی هستند و فرق می‌کنند. گفتم: من هم روحانی هستم. علاوه بر این زنان مسلمان باید حجاب داشته باشند ولی آنها مخالفت کردند. به یکی از دوستان قاضی مراجعه کردم. او گفت: در این قانون آمده که روحانی‌ها می‌توانند حجاب داشته باشند. کلمه روحانی در آژانتین دو معنا دارد؛ یکی این‌که شخص شأن روحانیت داشته باشد و یک معنا هم مردم با ایمان را می‌گویند. جهت مخالفت با من آنها این کلمه روحانی را فقط به معنای شأن روحانی مطرح کردند. به تلاش‌هایم ادامه دادم و یک نامه به یکی از روزنامه‌ها نوشتم. چاپ این نامه سر و صدای زیادی ایجاد کرد. مردم خیلی تعجب کردند که دولت آژانتین با مسلمان‌ها این‌گونه رفتار می‌کند. این را عقل هم قبول نمی‌کند که با پوشیدن روسری که کاملاً چهره فرد مشخص است، مخالفت شود. مردم خیلی با دولت مخالفت کردند و شکر خدا نتیجه داد.

مسئول مربوط دستور داد که کشور ما برای همه ادیان آزاد است و به این ترتیب من توانستم مدارکم را با حجاب بگیرم.

آیا با ماجرای خاص در سفرهای تبلیغی‌تان مواجه شده‌اید؟

۱۱ سپتامبر با همسرم در چپله بودیم و می‌خواستیم به آژانتین برگردیم. سوار هواپیما که شدید قبل از حرکت من مشغول نماز خواندن شدم. بسم... الرحمن الرحیم را که گفتم، مهماندار فکر کرد من همراه خود یک بمب دارم. فوراً به کاپیتان هواپیما اطلاع داد.

آنها آمدند و به همسرم گفتند می‌خواهند با او صحبت کنند. همسرم پس از ۲۰ دقیقه با نگرانی آمد به زبان انگلیسی و اسپانیولی فریاد می‌زد: اینها می‌خواهند ما را از هواپیما بیرون کنند. برای من تعجب‌آور بود چرا شوهر من که فردی آرام است، این قدر ناراحت شده است؟ معلوم شد مسئول پرواز به او گفته بود چون مسلمان هستید، نمی‌توانید سوار هواپیمای لوفت‌هانزا شوید. اعتراض همسر من باعث شد تمام مسافران با ما همراهی کنند و همه از هواپیما خارج شوند. این ماجرا در فرودگاه انعکاس پیدا کرد و از شبکه‌های خبری برای تهیه خبر آمدند. خلاصه این مسأله به رادیو و تلویزیون و جراید کشیده شد و آنها مجبور

شدند هواپیمای دیگری غیر از شرکت لوفت‌هانزا برای پرواز آماده کنند. پس از این جریان، شرکت لوفت‌هانزا مجبور شد به خاطر این حرکت، از ما عذرخواهی کند. با این‌که مؤسس این مسجد یعنی آقای ربانی را به خاطر فشارهای سیاسی از آژانتین اخراج کردند و ما پس از ایشان یتیم ماندیم و تنها شدیم، اما به لطف خدا کارها را ادامه دادیم و با تلاش و توکل هنوز پا برجا هستیم.

الان چه نوع فعالیت تبلیغی در آژانتین دارید؟

ما مجوز کارهای فرهنگی را به اسم موسسه دوازده امامی گرفته‌ایم. فعالیت‌های فرهنگی ما در میان مسلمانان و غیرمسلمانان است. با مسلمانان هر هفته جلسه داریم. افراد زیادی در آن شرکت می‌کنند به گونه‌ای که مسجد از جمعیت پرمی‌شود. تعدادی از خواهران محجبه شده‌اند و بچه‌هایشان را نیز برای آموزش قرآن به مسجد می‌فرستند. فعالیت‌های فرهنگی ما به صورت تیمی است. یکی از افراد شاخص آن حاجیه خانم ربانی است. ما به طور مستمر مطالب و کتاب‌های مورد نیاز را در حد توان برای شیعیان و مسلمانان آژانتینی و به طور کلی آمریکای لاتین ترجمه می‌کنیم. اخیراً کتاب ریحانه بهشتی را با کمک حاجیه خانم ربانی به زبان اسپانیولی ترجمه و منتشر کردیم که مورد استقبال قرار گرفت. از دیگر فعالیت‌های مستمر ما انتشار مجله ماهانه کوثر به زبان اسپانیولی است. در جریان این ترجمه‌هاست که خودم خیلی مطالب را یاد می‌گیرم. مثلاً در ترجمه رساله احکام هر مطالبی را که نمی‌فهمیدم از حجت‌الاسلام ربانی توضیح می‌خواستم و ایشان نیز با حوصله برایم توضیح می‌داد. یکی دیگر از فعالیت‌هایم در فضای مجازی و به زبان اسپانیولی است که مخاطبان قابل توجهی داریم. در بخش کودک نیز کتاب تولید و منتشر می‌کنیم.

برای ماه محرم و صفر هم برنامه دارید؟

قبل از این‌که انقلاب اسلامی در ایران به پیروزی برسد و سفیر جمهوری اسلامی و حجت‌الاسلام ربانی به آژانتین بیایند ما چیز زیادی از شیعه نمی‌دانستیم. گاهی اگر از پدر و پدربزرگ‌مان می‌پرسیدیم تفاوت شیعه و اهل تسنن در چیست. جواب‌مان این بود فرقی ندارند و اختلافی در صدر اسلام بوده و ما به آن کاری نداریم. برگزاری مراسم محرم در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در آژانتین خیلی ضعیف بود. اصلاً نمی‌دانستیم روضه خواندن و سینه‌زدن چگونه است. ابتدا حدود ۶۰ نفر بودیم. در محرم پدرم و فرد دیگری هر روز دهه اول محرم برای مردم مقتل می‌خواندند. مقتل به زبان عربی بود و ما متوجه نمی‌شدیم، ولی گریه آنها روی ما تأثیر داشت. متوجه می‌شدیم پسر پیامبر (ص) مقتول شده است. بعداً مطالب مقتل توضیح داده می‌شد. همه لباس مشکی می‌پوشیدیم و حال و هوایی عاشورایی پیدا می‌کردیم.

خاطره‌ای هم دارید؟

یادم هست یک خانم مسیحی مشکلی داشت، ایام محرم بود، به او گفتم تقاضایت را از امام حسین (ع) بخواه. او به امام حسین (ع) متوسل و مشککش حل شد. از آن زمان هر سال در این ده روز لباس مشکی با حجاب می‌پوشید و مسلمان هم شد و بالاخره در روز عاشورا هم از دنیا رفت و در قبرستان مسلمان‌ها دفن شد.

و به عنوان سؤال آخر، شما الان به صورت دائم در ایران زندگی می‌کنید، چرا؟

چون سه دختر داریم. احساس کردیم آژانتین شرایط برای زندگی مناسب نیست. می‌خواستیم دخترهایمان را در محیط اسلامی بزرگ کنیم برای همین به ایران آمدیم. البته هر سال برای تبلیغ سه چهار ماه به آژانتین می‌رویم.

۱۱ سپتامبر

باهمسر می‌خواستیم به

آژانتین برویم. قبل از حرکت هواپیما مشغول نماز خواندن شدم. بسم... الرحمن الرحیم را که گفتم، مهماندار فکر کرد من همراه خود یک بمب دارم. به کاپیتان هواپیما اطلاع داد. آنها آمدند و به همسرم گفتند می‌خواهند با او صحبت کنند. همسرم پس از ۲۰ دقیقه با نگرانی آمد به زبان انگلیسی و اسپانیولی فریاد می‌زد: اینها می‌خواهند ما را از هواپیما بیرون کنند. برای من تعجب‌آور بود چرا شوهر من که فردی آرام است، این قدر ناراحت شده است؟ معلوم شد مسئول پرواز به او گفته بود چون مسلمان هستید، نمی‌توانید سوار هواپیمای لوفت‌هانزا شوید. اعتراض همسر من باعث شد تمام مسافران با ما همراهی کنند و همه از هواپیما خارج شوند. این ماجرا در فرودگاه انعکاس پیدا کرد و از شبکه‌های خبری برای تهیه خبر آمدند. خلاصه این مسأله به رادیو و تلویزیون و جراید کشیده شد و آنها مجبور